**شرح حدیث 3836**

عملی اجر دارد که برخاسته از ایمان باشد.

رُوِيَ: أَنَّ مِنْ كَمَالِ إِيمَانِ اَلْعَبْدِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ تِسْعُ خِلاَلٍ»

از نشانه‌های کمال ایمان بنده است که نُه نشانه در او باشد.

انسان با نور ایمان خوبی‌ها و بدی‌ها را تشخیص می‌دهد. نور ایمان اگر تربیت شود، به کمال خود می‌رسد. عملی اجر دارد که برخاسته از ایمان باشد.

1.«لاَ يُدْخِلُهُ اَلرِّضَا فِي بَاطِلٍ»

خرسندی و خوشی او را به باطل نکشد، قدرت ایمانی اش به قدری باشد که با وجود غرایز بیدار شده, از مرز حق عبور نکند.

2.«وَ لاَ يُخْرِجُهُ اَلْغَضَبُ عَنْ حَقٍّ»

عصبانیت و ناراحتی او را از حق بر نگرداند. وقتی غضب بیدار شد، عقل باید جلوی آن را بگیرد. اگر کسی در هنگام ناراحتی همه حقایق و خوبی‌ها را فراموش کرد و زیر پا گذاشت، ایمانش ضعیف است.

3.«لاَ تَحْمِلُهُ اَلْقُدْرَةُ عَلَى تَنَاوُلِ مَا لَيْسَ لَهُ»

قدرتمندی فرد باعث نشود که پا روی مرز دیگران بگذارند. نشانه ضعف ایمان است که انسان چیزی را که مال خود نیست، از آن خود ببیند و اگر قدرتش برسد آن را تصاحب می‌کند.

4.«أَنْ يُمْسِكَ اَلْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ»

بیشتر بدبختی‌های انسان از اضافات امور است؛ اما هیچ چیز به اندازه اضافه حرف زدن انسان را بدبخت نمی کند.

5.«يُخْرِجَ اَلْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ»

اضافه دارایی اش را برای دیگران خرج کند. باید مال اضافه را فرصت دانست، منظور از دنیای بلاغی که دنبال کردن آن مشکلی ندارد این است که انسان پول مازاد درآمدش را برای خود خرج نکند. این مازاد درآمد فتنه‌ای است که انسان را به مصرف‌ها و اسراف‌های نامطلوب می‌کشاند. دارایی خود را از خدا دیدن و از خدا شمردن، فرهنگ موحدین است.

6 «وَ يُحْسِنَ تَقْدِيرَ مَعِيشَتِهِ

ششمین نشانه کمال ایمان این است که انسان به درستی معیشت خودش را محاسبه کند. یعنی در هزینه کردن در زندگی خود، عدل و میانه روی داشته باشد. نکته مهم این است که انسان وقتی مال زیادی دارد، زیاد خرج نکند و وقتی کم دارد، قناعت کند. اگر کسی به درستی تقدیر معیشت نکرد، سرانجام به کفر کشیده می‌شود. مومن باید بتواند تقدیر معیشت کند تا در مشکلات گرفتار نشود.

7. وَ يَكُونَ ذَا هَيْئَةٍ تَقِيَّةٍ جَمِيلَةٍ

تقیه یعنی این که انسان بفهمد که در موقعیت های مختلف ظرفیت اظهار حق وجود دارد یا نه؟ به عبارت دیگر تقیه، فهم جهل جاهلان و درک ناتوانی ناتوان‌ها است. تقیه یعنی این که بدانی مواجهه مستقیم خروجی نمی‌دهد. تقیه درک زمان است. صاحبان تقیه در روایات به زیباترین کلمات مدح شده اند: «اَلتَّقِيَّةُ ديني وَدينُ آبائي» و تارکان تقیه به تندترین لسان مذمت: «َلا اِیمانَ لِمَنْ لا تَقِیَّةَ لَهُ»

رابطه تقیه با ایمان این است که اگر کسی تقیه نکرد، هزینه دین داری اش بالا می‌رود. با تقیه هزینه دین داری مومن کم می‌شود و دایره تعاملاتش در جامعه زیاد می‌شود. تقیه بخشی از دین است که خیلی ظرافت می‌خواهد. باید همراه با هوش و عقل باشد، میزان عقل نورانی یک فرد به همان اندازه‌ای است که تقیه می کند. همیشه اهل باطل از تعامل منطقی با اهل حق فراری‌اند، چرا که اگر تعامل منطقی باشد حتما حق پیروز می شود. لذا کسی که تقیه نکرد به بی ایمانی کمک می‌کند. اگر به حقانیت اهل حق ایمان دارید، بدانید که مدارای اهل حق سبب پیروزیشان خواهد شد.

19 مهر ۹۷

مسجد جامع صفا